

بیانیه

به مناسبت اقداماتی که علیه جلسه‌ی بحث عمومی با سفیر جمهوری اسلامی ایران انجام شد

مدرسه‌ی عالی عمومی (Volkshochschule) شهر آسنابروک و دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه آسنابروک از سفیر جمهوری اسلامی ایران، علیرضا شیخ عطار برای شرکت در میز گردی زیر عنوان «ایران به کدام سو می‌رود» دعوت کرده بودند. این میز گرد که قرار بود من هم در آن شرکت داشته باشم، می‌باشد در تاریخ 22 ژوئن 2010 در آسنابروک برگزار شود. بلافاصله بعد از اعلام برگزاری این میز گرد، تشکیلات یا گروهی به نام «اتحاد همبستگی با جنبش آزادی ایران» که تا آن تاریخ برای من ناشناخته بود، موفق شد با تهدید و ارعاب شدید، مدرسه‌ی عالی عمومی آسنابروک را به لغو این میز گرد وادار کند. اشخاص یا محافلی که زیر نام این گروه ناشناس عمل می‌کنند، می‌توانند از موقوفیت خود در وارد آوردن ضریب‌های به دموکراسی در آلمان خشنود باشند. به روشنی تشخیص داده می‌شود که بار دیگر وضعیتی ایجاد شده که کسانی بتوانند با تهدید و افترا یک بحث عمومی میان نمایندگان نظرات متفاوت را غیرممکن سازند.

این گروه ناشناس از برگزارکنندگان میز گرد خواستند تا «به یک جایتکار و نماینده‌ی اسلامگرایی علیه، افکار ضدیهودی و طرفدار نابودکردن اسرائیل» تربیونی برای تبلیغ نظرات خود ندهد. گروه‌های دیگری نیز، از جمله گروهی به نام «شورای مرکزی مسلمانان پیشین» و همچنین اشخاص منفرد، تقریباً با همان جمله‌بندی و همان درخواست، برگزارکنندگان میز گرد را مخاطب قرار دادند. به روشنی دیده می‌شود، شبکه‌ای که از سالها پیش زیر عنوان‌های متفاوت از جمله گروهی از طرفداران اسرائیل «بمب را متوقف کنید» بار دیگر برای خبیث نشان دادن ایران فعال شده است تا جنگ احتمالی اسرائیل و ایالات متحده امریکا علیه این کشور را برحق جلوه دهد و به وسیله‌ی تبلیغات، زمینه را برای شرکت کشورهای دیگر در چنین جنگی فراهم کند. در نوشته‌های اعتراضی به میز گرد پیش‌گفته، آگاهانه عباراتی نظیر "ملت‌کش‌ها"، "جهادیست‌ها" و "رژیم فاشیستی" به کار برده شده بودند. نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که این گروه‌ها پشت نقاب "دفاع از حقوق بشر" و "همبستگی با جنبش آزادی خواهی ایران" با هر گونه ارتباط با ایران و هر گونه گفتگو با نمایندگان رژیم ایران مخالفت می‌کنند، زیرا چنین ارتباط‌ها و گفتگوهایی، استراتژی خبیث جلوه دادن ایران را کم‌اثر می‌کند. با قاطعیت می‌توان گفت که هدف این اشخاص دموکراسی در ایران نیست. اینان از جنبش دموکراتیک ایران همچون ابزاری به منظور آماده‌سازی روانی برای جنگی علیه ایران استفاده می‌کنند، جنگی که زمینه‌ی شکل‌گیری دموکراسی در ایران و خاورمیانه و نزدیک را برای زمان درازی از بین خواهد برداشت.

جای تاسف است که برخی از گروه‌های ایرانیان در تبعید نیز ناگاهانه به این اقدامات علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پیوندند. و این نکته بسیار غمانگیز است که دیدگاه این گروه‌ها نه تنها به حل مسئله‌ی دموکراسی در ایران خدمتی نمی‌کند، بلکه خود بخشی از مسئله است. کسی که امروز در جایگاه اپوزیسیون، نمایندگان طرف مقابل را یکجا "جایتکار" و "آلمکش" بنامد، و گفتگو با آنان را رد کند،

چنانچه روزی قدرت را به دست گیرد، حق موجودیت دگراندیشان را مورد تردید قرار خواهد داد. اینان ادعا می‌کنند که باید با گروه مقابل به خاطر دیدگاه استبدادی اش مبارزه کرد. اما تفاوت این دو در چیست؟

ایران یکبار به اشخاصی اعتماد کرد که در آغاز قول دموکراسی می‌دادند، اما سپس به نام اسلام حاکمیت استبدادی خود را برپا کردند. مردم ایران با توجه به این تجربه تلخ مسلمان اشتباه خود را تکرار نخواهند کرد و دوباره از کسانی پیروی نخواهند کرد که می‌خواهند با شعار ضدیت با اسلام استبداد دیگری برپا کنند. دیدگاه آنانی که امروز در ایران حاکمند و دگراندیشان را تحمل نمی‌کنند با کسانی که فردا به همان شیوه‌ها متولّ خواهند شد تفاوتی ندارد زیرا هر دو ضدموکراتیک اند. کسی که برپایی دموکراسی در ایران را جدی تلقی می‌کند، باید حق موجودیت حاکمان امروز را در ایران دموکراتیک آینده نفی کند. این حکم در عین حال به این معنی است که امروز هم باید فرهنگ دموکراتیک را رعایت کنند و از گفتگو با حاکمان کنونی سر باز نزنند، حتاً اگر آنها ضدموکراتیک عمل می‌کنند و دگراندیشان را برنمی‌تابند.

من در هر حال در برابر استبداد گروهی مشکوک که هدف خبیث نشان دادن جمهوری اسلامی ایران و تابو جلوه دادن انتقاد به سیاست اشغال و خشونت اسرائیل را تعقیب می‌کند، سر فرود نمی‌آورم.